

# نیروی مقاومت بسیج و جنگ‌های آینده

گزارش علمی

## □ اشاره:

در تاریخ ۸۶/۷/۴ نشست علمی در دانشکده دفاع ملی دانشگاه با حضور سردار سرلشکر پاسدار دکتر غلامعلی رشید، سردار سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی رحیم صفوی، جناب آقای دکتر ابراهیم حسن بیگی، سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی، سردار سرتیپ پاسدار دکتر حسین ظریف منش، جناب آقای دکتر حسین حسینی و جناب آقای دکتر احمدوند، تشکیل شده و در این نشست علمی سردار سرتیپ پاسدار احمدی مقدم، راهبرد نیروی مقاومت بسیج در جنگ‌های آینده را ارائه نمود که توسط حضار مورد ارزیابی قرار گرفت. این تحقیق شامل ۵ فصل به شرح ذیل می‌باشد: در فصل اول آن به کلیات یا طرح تحقیق پرداخته شده، فصل دوم به ادبیات تحقیق و بخش نظری اختصاص یافته، فصل سوم روش اجرای پژوهش را تشریح کرده و در فصل چهارم به تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته شده است. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای این تحقیق هم در فصل پنجم ارائه شده است. امید است تلاش محقق، منطقی در ورود به ضرورت‌ها الزامات و لوازم حضور و به کارگیری نیروی مقاومت بسیج در مصاف با دشمنان انقلاب اسلامی باشد.

پرتال جامع علوم انسانی

در آغاز ارائه علمی راهبرد نیروی مقاومت بسیج در جنگ‌های آینده سردار سرتیپ پاسدار احمدی مقدم ضمن بیان برخی از انگیزه‌های انجام این تحقیق سخن خود را این گونه ادامه داد:

انقلاب اسلامی ما در شرایطی در دوران جنگ سرد به وجود آمد که صرفاً جهان در دوبرلوک تقسیم شده بود و جایگاه و قدرت دیگری متصور نبود و هر که بود در داخل این دوبرلوک بود. پیدایش انقلاب اسلامی به عنوان متعارض ایدئولوژیک هر دوبرلوک بود و باعث شد هر دوبرلوک در جهاتی با ما وارد جنگ بشوند در صحنه‌های متفاوتی با ما وارد نبرد بشوند. دفاع مقدس و حوادث داخلی و...

در دهه ۹۰ با فروپاشی شوروی و بلوک شرق در واقع متعارض اصلی ما آمریکا شد و ما را مانع اساسی در این منطقه برای نظم نوین جهانی و جهانی سازی می دید.

خوب در این موضع یک تغییری در آرایش نظام جهانی به وجود می آید. حادثه ۱۱ سپتامبر یک نقطه عطفی است که آمریکا را متوجه خاورمیانه می کند. و به بهانه تروریسم، توسعه آزادی و دموکراسی توجه خود را به خاورمیانه جلب می کند. طرح خاورمیانه بزرگ که عمدتاً کشورهای نفتی منطقه بعلاوه شمال آفریقا را دربر می گیرد. در حقیقت از هر سو که به آن نگاه کنیم دارای محوریت ایران است.

لذا حضور آمریکا، حذف صدام و طالبان در کنار مرزهای ما با توجه به این که می دانیم هدف اصلی در طرح خاورمیانه بزرگ و حضور آمریکا ایران است، در اینجا هدف نهایی و غایی را باید درک کنیم. ماهیت، سطح و شدت تهدید تغییر کرده، آمریکا از یک تهدید بالقوه به یک تهدید بالفعل برای ما تبدیل شده، اگر راهبردها و سیاست‌های دفاعی ما عمدتاً مقابله با تهدیدات هم طراز پیرامون خودمان بود، امروز نیروهای فرامنطقه‌ای تهدید را تشکیل می دهند. مسأله ما این است که می خواهیم بگوییم ماهیت تهدید عوض شده. سیاست‌های ما در مقابله با تهدیدات هم طراز بوده امروز ما یک تحول اساسی در این راهبرد ها نیاز داریم. ۳ هدف را ما در این تحقیق دنبال می کنیم. شناخت ماهیت نبرد آینده، اول وارد چه میدانی می شویم و در این نبرد چه روندی را تجربه خواهیم کرد؟ و با عنایت به این که قطعاً این نبرد با نبردهای گذشته تفاوت دارد، راهکارهای دشمن در مقابله با ما چیست؟

با تدابیر موجود راهبرد نیروی مقاومت بسیج برای استفاده حداکثری از نیروهای مردمی در برابر تهدیدات احتمالی امریکا و همچنین ایجاد یک قدرت بازدارنده موثر دفاعی چه خواهد بود و در نهایت الزاماتی که برای تحقق این راهبردها مورد نیاز است، چه می باشد؟

گروه تحقیق متشکل از بنده و استادانی که مرا یاری نموده اند سعی کرده است تا در گام اول بررسی مباحث نظری رایج در دنیا را به همراه گام دوم که سناریو پردازی دشمن است دنبال نماید و در گام سوم اقدامات دشمن در هر یک از سناریو ها و این که اقدامات مزبور چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت، مورد بررسی قرار گرفته و در گام چهارم تحلیل راهبردی بررسی فرصت ها، تهدیدات، قوت های دفاع مردمی در قالب تعیین موقعیت و اقدام راهبردی صورت گرفته و راهبرد مناسب تدوین و اولویت بندی شده است. در نهایت نیز ارائه پیشنهادات و تعیین الزامات، انجام شده و این تحقیق به پایان رسیده است.

سعی شده است که با اطلاعات به روز شده که از حوزه حریف استخراج و اکتشاف شده در یک تعامل با نخبگان و استفاده از این منابع سناریوها را نهایی کرده و با استفاده از طوفان مغزی نخبگان و رویکردهای آکادمیک که در متن مراکز مسئول می باشند در یک گردهمایی و بحث گروهی این سناریوها را نهایی کرده و از طریق پرسشنامه و تحلیل آماری تهدیدات فرصت ها و قوت ها را پی گرفته و از طریق تعامل با نخبگان و استفاده از روش آماری در واقع موقعیت و اهداف راهبردی را مشخص کنیم و نتیجتاً با استفاده از تعامل فکری نخبگان راهبردها و اولویت ها را استخراج کنیم.

در ابتدای بحث ادبیات تحقیق ویژگی های جنگ های آینده، محیط امنیتی نظامی در وضع موجود، جنگ ناهمگون، نظریات منازعات ناهمگون، بازدارندگی، و نهایتاً رسالت، دکترین و چشم انداز بسیج را دنبال کرده ایم و به نظر می رسد ویژگی اساسی جنگ آینده غیرخطی شدن فضای امنیتی بین المللی، منطقه ای و ملی، تسلیحات مدرن یا فوق مدرن، قبض زمان و بسط مکان و حمله برق آسا است. ولی وسعت منطقه عملیات بسیار وسیع است که به جنگ ماهیتی چند وجهی می دهد و صرفاً دیگر نظامی نیست، بلکه حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دربر گرفته و در راستایی دیگر مبتنی بر اقدامات نرم افزاری، جنگ های شبکه ای و اشراف اطلاعاتی اطراف درگیری است.

کاهش قابلیت پیش بینی تحولات آینده، وجود نوعی ابهام وعدم اطمینان در مورد آینده را چون باتلاق عراق برای امریکا و نقش بلامنازعه اشرافیت اطلاعاتی گروه‌های کوچک و انقلابی درگیر در این منازعه را فراهم خواهد کرد.

به نظر می‌رسد آمریکا حذف اسلامیت از نظام وارگانی که پایه گذار اسلامیت در نظام است را در نظر دارد و به سمت حرکت دادن نظام به سمت یک جریان سکولاریزم و لیبرال و نهایتاً حاکمیت الگوی لیبرال دموکراسی است که به اسم آزادی و دموکراسی امروز تلاش می‌کنند با استفاده از قدرت نظامی در کشورها پیاده و اجرا کند و آمادگی و تحرک دفاع مردمی به عنوان اساسی‌ترین اصل بازدارندگی جریان‌های انقلابی در این راستا کارساز است.

آمریکا در رفتار و مذاکرات خود معتقد است که ج.ا.ا. اگر اسمش جمهوری اسلامی باشد مانند پاکستان اشکالی ندارد، اما باید از این ارگان‌های نهادهایی که تقدس و رسالت آنان پویایی و دوام انقلاب اسلامی است، یعنی این‌هایی که در واقع ارکان اسلامیت و حفاظت از بعد انقلاب هستند، اینها را از قانون اساسی حذف نمایند. حال از طریق انقلاب‌های رنگارنگ اتفاق بیفتد یا کاربرد قدرت نظامی، آن بستگی به شرایط دارد. اما هدف اساسی تغییر ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران است.

اما در سطح بعدی اگر چنین چیزی قابل تحقق نبود، تغییر رفتار ایران است. یعنی تبدیل ایران به یک بازیگر نقش پذیر در صفحه شطرنجی که آنها در جامعه بین‌المللی ترسیم می‌کنند. یعنی ما جایگاه خودمان را بپذیریم و به عنوان یک نیروی مخل از نظر آنها اقدام نکنیم. مثال لیبی مثال بسیار خوبی است که با یک ضرب نظامی توانستند آن را قابلیت پذیر کنند و به سازش وادار کنند هرچند که ساختارها در آنجا تغییر نکرد.

بنابراین رویکرد، اشکال گوناگونی را در قالب سناریوهای متفاوتی برای رویکرد ترسیم کرده است.

جنگ سرد رسانه‌ای که در واقع نوعی رویارویی غیر مستقیم و غیرمسلحانه است، که دو توان رسانه‌ای صف‌آرایی کنند و بچنگند. در کنار آن بمباران استراتژیک که تقریباً از منابعشان بر می‌آید، در هدف و اولویت است. مقابله با پایگاه‌های بسیج مردمی و جریان‌های هوادار انقلاب اسلامی در کشور و مقابله با

فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران که مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کنند که اینها نیز دارای اولویت است که در سطح وسیع سناریو نوشته و در رسانه‌ها منتشر می‌کنند که زیرساخت‌های اقتصادی سیاسی و غیره هم جزو این دسته می‌باشند. به زعم سیمون هرش - تبلیغاتچی نظامی آمریکا، بسته به شدت و وسعت بمباران استراتژیک این اهداف می‌تواند توسعه پیدا کند، اما حداقل آن این است که از زدن یک مرکز هسته‌ای می‌تواند کار شروع بشود. با اشغال نظامی ایران، عمده تهدیدات متصور اشغال خوزستان یا هرمزگان با هدف در واقع فلج کردن ایران به لحاظ اقتصادی می‌تواند باشد. هرچند که تمامی این سناریوها فعلاً با دستگاه‌های عملیات و جنگ رسانه‌ای و با هدف ایجاد ترس و واکنش روانی توزیع می‌شود و تمایل دارند تا واکنش مورد علاقه خود را در حوزه‌های نظامی ج.ا.ا. به سمت اهداف مورد علاقه خود متمایل کنند.

اما الگوهای رویارویی چیست؟

**اقدام مستقیم:** تلاش می‌کنیم پدافند قوی‌تر داشته باشیم تا بتوانیم ارزش‌های بازدارندگی خود را تقویت و هزینه‌های آمریکا را در حمله در سطح جهان آنچنان افزایش دهیم که افکار عمومی آمریکا را وادار به پذیرش شکست نمایند.

**اقدام غیر مستقیم:** ایمن‌سازی و کاهش آسیب‌ها یا پدافند غیر عامل اقدام ناهمگون که در واقع مقابله کردن با آسیب‌های خود در برابر نابرابری امکانات است. برای همین است که باید به جنگ ناهمگون بیاندیشیم. جنگ ناهمگون در منظر تحقیق عبارت است از اندیشیدن، سازماندهی کردن انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد. به منظور به حداکثر رساندن برتری خود و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، این پدیده از آنجا برمی‌خیزد که یک نیرو، توانایی‌های نوینی را به کار می‌گیرد که نیروهای دشمن قادر به تصور یا درک و مقابله موثر با آن نمی‌باشند. ویژگی‌های چنین جنگی عبارت است از پرهیز از نقاط قوت دشمن و بهره‌گیری از نقاط ضعف او، پرهیز از نقاط قوت، استفاده از فناوری غیر قابل انتظار او، به حداکثر رساندن آسیب خودی و نهایتاً تضعیف دشمن.

اما کشوری که مورد تهاجم قرار گرفته است برای پیروزی نقشه واراده دارد و چون موجودیت خود را فقط در پیروزی می‌داند عزم و اراده بیشتری دارد.

نظریه دیگر مربوط به تعامل راهبردی "آرگون تافت" است که اشاره می‌کند هر راهبرد دارای یک ضد راهبرد مطلوب است. بنابراین بازیگرانی که قادر به پیش بینی راهبرد دشمن خود هستند می‌توانند با انتخاب و اجرای آن امکان موفقیت خود را تا حد زیادی افزایش دهند. این درواقع به رهافیت مستقیم و غیر مستقیم اشاره می‌کند که در رهافیت مستقیم درواقع توانایی های نظامی و فیزیکی دشمن مورد هدف است و در رهافیت غیر مستقیم عوامل روانی دشمن مدنظر است.

مفهوم دیگر بازدارندگی است که به عنوان یک مفهوم کلیدی است.

بازدارندگی عبارت است از فعالیت های انجام شده توسط یک دولت برای بازداشتن سایر دولت ها از تعقیب سیاست هایی که دلخواه دولت بازدارنده نیست و یا به تعبیری تفهیم توانایی های ما به دشمن که بسیار مهم است. باید توجه کنیم که بازدارندگی در فضای متعارف امروزین، در دنیا ارزش های خود را از دست داده است، پس قدرت برتر همواره پیروز میدان نبرد نیست. به منابع قرآنی اگر مراجعه کنیم درنبرد تالوت و جالوت خواهیم دید که قدرت برتر پیروز میدان نبود.

عامل انسانی به عنوان محور اساسی میدان نبرد مورد تأکید است. میزان میل به جنگجویی و پیروزی به حیاتی بودن هدف جنگ بستگی دارد. اگر آمریکا مثل ویتنام در عراق، افغانستان، سومالی، لبنان، دچار فشار روحی داخلی شود میل دولتمردان به جنگ کم شده و عقب نشینی آنان را خواهیم دید. استفاده صحیح از نیروی مادی کوچکتر و استفاده بهینه از نقاط قوت خود و بهره گیری مناسب از نقاط ضعف دشمن و پرهیز از قرینه سازی، حالا چه در سطح تاکتیک و غیره می‌تواند آمریکا را از صحنه براند و تجارب دفاع مقدس و حضور میلیونی مردم در این راستا راهنمایی خوبی است.

من عوامل برترساز قدرت مادی پرتحرک و کوچک را عبارت می‌دانم از:

وجود یک اراده ملی و انگیزه مردمی برای دفاع همه جانبه در برابر دشمن.

بالا بودن آستانه تحمل و پذیرش سختی ها توسط مردم و دولتمردان و سیاستمداران.

وجود سرزمین وسیع و غیر قابل سطره توسط دشمن.

شناخت دقیق از نیات دشمن.

در حالی که نقاط ضعف فیزیکی و روانی آمریکا میزان هزینه ای را که او قادر به پرداختن آن نیست بسیار افزایش می‌دهد، لذا این خیلی مهم است که آستانه تحمل

ملت و دولت ما را آمریکا درک نماید که فراتر از دیگر ملت‌هایی است که تا کنون با آنها درگیر شده است.

وجود طرح‌های دقیق دفاعی لازم برای بهره‌گیری از نقاط ضعف دشمن و آمادگی کافی برای به اجرا درآوردن آنها و وفاق ملی ج.ا.ا. مزیت نسبی ما در فرود ضربه جدی به آمریکا است.

بنابراین با این رویکرد، تلاش کردم که بگویم بسیج باید چه بکند اگر بخواهد از این فرصت‌ها استفاده کند توطئه‌ها را خنثی کند. اگر قوتها را بخواهد استفاده کند چه باید بکند.

در ادامه سردار احمدی مقدم با همراهی سردار دکتر صفوی به بیان راهبردهای علمی مستخرجه پرداختند و با دیگر اعضا به مناظره و مباحثه پرداخته و در پایان به نتیجه‌گیری علمی پرداخته و جلسه موصوف را پایان دادند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی